نشریه علمی – پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی
سال چهارم، شماره ۳ (سری جدید)، پیاپی ۱۵، پاییز ۱۳۹۸ (۱۲۲-۱۰۳)

Journal of Physical Development Planning
Vol. 4 No.3, (New Series), Autumn 2019 (103-122)

تحلیل مؤلفه‌های بازآفرینی شهری در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز

مسعود صفایی‌پور*[۱]، صفیه دامن‌باغ[۲]
۱. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه شهید چمران اهواز
۲. دانشجوی دکتری جغرافیا، دانشگاه شهید چمران اهواز
(دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶)

Analysis of Urban Regeneration Components in the Centralized Old Texture of Ahvaz City

Masoud Safaeepour*[1], Safiyeh Damanbagh[2]
1. Professor, Department of Geography, Shahid Chamran University of Ahvaz
2. PhD. Student of Geography, Shahid Chamran University of Ahvaz
(**Received:** 03/Dec/2018 **Accepted:** 17/Sep/2019)

چکیده
بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز نیز به عنوان نخستین هسته شکل گرفته و شهر اهواز، با مشکلاتی چون افول کیفیت کالبدی، مشکلات دسترسی و ترافیکی، تراکم و تمرکز بیش از حد جمعیت به علت ماهیت تجاری آن و سایر عوامل، همچنین با دارا بودن ارزش‌های تاریخی به لحاظ داشتن بناهای تاریخی مهم در این محدوده و ارزش‌های فرهنگی و مهم‌تر از همه به عنوان قلب تپنده تجاری شهر، بحث مطالعه و برنامه‌ریزی‌های درست و با رویکرد پایدار را بیش از پیش طلب می‌کند. بنابراین، در این پژوهش سعی شد تا از رویکرد بازآفرینی در جهت شناسایی اولویت برنامه‌ریزی بافت‌های فرسوده مرکزی شهر اهواز بهره گرفته شود. این پژوهش از لحاظ روش شناسی به صورت توصیفی- تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های توصیفی از اسناد کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌های تحلیلی پژوهش به روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه از نظرات ۴۰ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه برنامه‌ریزی امور شهری اهواز استفاده شده است. جهت تحلیل داده-های پژوهش نیز از مدل تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازی*FDAHP* و همچنین رگرسیون خطی در محیط نرم‌افزارSPSS استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش مشخص شد در وزن‌گذاری فازی نسبی برای ابعاد پژوهش، مؤلفه بازآفرینی اقتصادی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز حائز بیشترین وزن نسبی در این مرحله شده است و بازآفرینی فرهنگی نیز در رتبه دوم قرار دارد. در این مرحله مؤلفه بازآفرینی زیست محیطی از سوی کارشناسان با اولویت کمتری ارزیابی شده است. بنابراین از نظر کارشناسان شهر اهواز، بازآفرینی اقتصادی دغدغه اصلی برای اقدام به بازآفرینی در این بافت است.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی شهری، بافت فرسوده مرکزی، شهر اهواز.

Abstract
The worn-out central texture of Ahwaz as the city's first core, faces some problems such as physical quality decline, access and traffic problems, overcrowding and population concentration due to its commercial nature and other factors. The existence of important monuments, cultural values, and most importantly the commercial role of this area, necessitates the proper and sustainable approach to study and planning. Therefore, in this study, it was attempted to use the regeneration approach to identify the priority planning of worn-out central tissues of Ahwaz. The present study follows a descriptive-analytical method. To collect the descriptive data a library-documentary method was applied and to collect the analytical data a survey was conducted by which a questionnaire was formulated to collect the opinions of 40 experts in Ahwaz urban planning arena. To analyze the data, the Fuzzy Delphi Hierarchical Analysis model (FDAHP) and linear regression in SPSS software were used. Findings of the present study indicated that in the relative fuzzy weighting for the dimensions of research, the economic regeneration component of the worn-out central fabric of Ahwaz has the highest relative weight at this stage and the cultural regeneration is second. At this stage, the environmental remediation component has been evaluated by experts with less priority. Therefore, according to Ahwaz experts, economic re-creation is the main concern in the worn-out central texture of Ahwaz.

Keywords: Urban Regeneration, Central Worn-out Texture, Ahwaz City.

نویسنده مسئول: مسعود صفایی‌پور

*Corresponding Author: Masoud Safaeepour
E-mail: safaee_p@scu.ac.ir

مقدمه

با افزایش جمعیت، شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلانشهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات جبران‌ناپذیری برای بشر پدید آورده است. چرا که از یک سو نرخ شهرنشینی در آن‌ها بیشتر از نرخ شهرنشینی کشورهای پیشرفته در دوران اوج شهرنشینی است و از سوی دیگر اکثر قریب به اتفاق چنین کشورهایی با کمبود شدید منابع مالی مواجه‌اند. این امر با توجه به هزینه‌بر بودن طرح‌های معمول توسعه شهری این کشورها را با مشکل اساسی مواجه کرده است (McDonald etal, 2009: 52). توسعهٔ سریع شهرنشینی، تأثیرات قابل توجهی بر بافت‌های قدیمی و تاریخی بر جای گذاشته است. هستهٔ قدیمی و تاریخی شهرها، برای اسکان جمعیت زیادی که غالباً مهاجران سال‌های اخیر می‌باشند، پیوسته دچار تغییر شکل شده که خود تخریب و فرسودگی بافت‌های مذکور را به همراه داشته است. از مهم‌ترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی در کنار عدم تامین زیرساخت‌های مناسب شهری برای ساکنان و مهاجران شهرها، به وجود آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده پیرامون شهری و درون شهری است که معضلات متعدد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. این مسئله در کنار تبدیل شدن زمین به یک منبع کمیاب اجتماعی، در دهه‌های اخیر باعث شده که استفاده بهینه از بافت‌های فرسوده که یکی از منابع اصلی تامین زمین درون شهری است، اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. مشکلات نواحی فرسوده شهری، بنا به سرشت خود چندوجهی و چند بعدی هستند و در هر مورد به شکل خاصی بروز می‌نماید. افت منزلت اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های کارکردی و کالبدی این بافت‌ها به همراه افت بسیار شدید کیفیت محیط شهری از جمله دلایلی است که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان شهری را مجاب به ارائه راهبردها و راهکارهای نوینی در مواجهه با مسائل و مشکلات آن کرده است. در این ارتباط از عمده‌ترین رویکردها در زمینه پایداری و احیای بافت‌های شهری، تأکید بر رویکرد بازآفرینی[1] است. چراکه در بحث بازآفرینی، ابتدا فرسودگی و بافت‌های فرسودهٔ نیازمند توسعه و احیا، مطرح خوهد شد (خورانی‌کریمی و شوهانی، ۸۳:۱۳۹۴). رویکردی که از بازسازی، باززنده‌سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده است. رویکرد بازآفرینی پایدار شهری یکی از جدیدترین رویکردهای پذیرفته شده جهانی در مواجهه با بافت‌های فرسوده شهری است. بنابراین، امروزه، بازآفرینی شهری، موضوعی جهانی است و به شکلی گسترده، داشتن یک برنامه بازآفرینی شهری مؤثر، به یکی از مهم‌ترین راهکارها برای تمام شهرهای جهان تبدیل شده است که می‌خواهند توسعه افقی و گسترده را متوقف کرده و توسعه درونی و متراکم را ایجاد کنند (Leary & McCarthy,2013:47). زمینه ظهور این رویکرد را باید توجه به اصول مطرح شده در توسعه پایدار و اهمیت یافتن نقش مشارکت گروه‌های ذینفع در فرایند برنامه ریزی شهری دانست (صفایی‌پور و زارعی، ۱۳۶:۱۳۹۶). دهه ۱۹۹۰ چارچوب جدیدی را برای فرایند بازآفرینی شهری به ارمغان آورد. مباحث اجتماعی به دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی بازگشتند و توجه خاصی به کیفیت زندگی به خصوص در محلات محروم شد. در نتیجه راهبردهای بازآفرینی شهری رویکرد وسیع‌تری را شامل شد. بنابراین توجه به بافت‌های فرسوده و قدیمی و رفع ناپایداری آن‌ها، به موضوعی جدی و محوری تبدیل شده، به گونه‌ای که سازمان‌های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و بازآفرینی بافت های مذکور سوق داده و لزوم مداخله در این بافت‌ها را در دوره‌های مختلف زمانی مطرح نموده است(زنگی‌آبادی و مؤیدفر،۲۹۸:۱۳۹۱). چرا که بافت‌های قدیمی و فرسوده، بافت-هایی هستند که در فرایند زمان طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروز در محاصرهٔ تکنولوژی عصر حاضر گرفتار شده‌اند. اگرچه این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکرد منطقی و سلسله مراتبی بودند، ولی امروز از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی بوده و اغلب جواب گوی نیاز ساکنین خود(پوراحمد و همکاران،۷۴:۱۳۸۹). همچنین بافت-های قدیمی و فرسوده‌ی شهری به دلیل مرکزیت جغرافیایی، سهولت دسترسی، استقرار بازار(فعّالیّت‌های تجاری) و دارا بودن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، ظرفیت بالقوّه برای تولید درآمد دارند. علیرغم این ویژگی‌ها محلاّت مسکونی پیرامون هسته تجاری، به دلایلی از جمله بافت‌های سنّتی شبکه معابر، فرسودگی واحدهای مسکونی، ضعف زیرساخت‌ها و مشکلات زیست محیطی، مسیر رکود و عقب ماندگی را طی می‌کنند. مناطق فرسوده گسترده در شهرها که به عنوان بخشی از مشکلات اصلی و پیچیده محسوب می‌شوند بیشتر باکیفیت زندگی که شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و

1. Regeneration

ساختار شهری و ظرفیت نهادی است در ارتباط است (Berni,2010:14؛ آلبوغبیش و شویچی،۱۳۹۳:۴۴).

علاوه براین، بافت‌های تاریخی به دلیل قدمت و در اکثر موارد فرسودگی و فقدان تاسیسات و خدمات اولیه و ضروری برای زندگی شهری امروز، در پاسخ گویی به نیاز های شهروندان خود دچار نارسایی‌های اساسی هستند. همین امر خود باعث تخلیه این بافت‌ها توسط ساکنان بومی و قدیمی و حرکت سکونتی آنان به سمت فضاهای جدید یا پیرامونی شهر گشته و به تبع آن، مهاجرت قشرهای کم درآمد و روستایی به این بافت‌ها افزایش یافته به طوری که عدم تمکن مالی این ساکنان جدید درکنار عدم وابستگی و تعلق خاطر آن‌ها به محل سکونت تازه خود و برخورد صرف سرپناه بودن از جانب آن‌ها، مشکلات بافت‌های قدیمی و محله‌های مسکونی بخش مرکزی را دو چندان نمود و روند تخریب و فرسودگی با سرعت بیشتری ادامه یافت. از سویی، به دلیل استقرار بیشتر بافت‌های قدیمی در بخش مرکزی شهرها و مجاورت بازار، نمی‌توان از این پدیده شهری صرف‌نظر کرد و برخورداری از امتیازات و مزایای آن را خارج از محدوده برنامه ریزی قرار داد و از آن به عنوان مولفه اساسی در بازآفرینی این بافت‌ها بهره نجست (رنجبر،۱۳۹۳:۲۳). شهر اهواز نیز به عنوان مرکز استان خوزستان، یکی از شهرهای مهم این استان بوده و در دهه‌های اخیر شاهد موج‌های عظیم مهاجرت از روستاها و شهرستان-های دیگر استان بوده است. بروز جنگ تحمیلی نیز مهاجرین بسیاری را از مناطق شهری و روستائی مناطق جنگ زده، روانه شهر اهواز کرد. در شهر اهواز هسته قدیمی شهر از لحاظ کاربری به دو هسته کاملاً متفاوت تقسیم شده است و بخش از هسته مرکزی به نام محله اهواز قدیم(عامری) که نخستین و قدیمی‌ترین کالبد شهر اهواز است؛ کاربری مسکونی دارد، بخش جدیدی که بازار بزرگ اهواز را در خود جای داده کاملاً تجاری و فعال است که می‌توان گفت نبض اقتصادی شهر در آنجا می‌تپد و به همین دلیل از میان دو بخش فوق اهواز قدیم بر خلاف بخش جدیدتر نتوانسته خود را با شرایط و نیازهای زندگی جدید هماهنگ سازد و تحرک زندگی شهری در این محدوده آهنگ کندی به خود گرفته است. ساکنان اولیه به مناطق مناسب‌تر نقل مکان کرده و جایی خود را به افراد فقیر و مهاجر داده‌اند. در واقع بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز به عنوان نخستین هسته شکل گرفته شهر اهواز، با مشکلاتی چون افول کیفیت کالبدی، مشکلات دسترسی و ترافیکی، تراکم و تمرکز بیش از حد جمعیت به علت ماهیت تجاری آن و سایر عوامل، روبرو است. ضرورت امر اینجاست که این بافت با دارا بودن ارزش‌های تاریخی به لحاظ داشتن بناهای تاریخی مهم در این محدوده و ارزش‌های فرهنگی و مهم‌تر از همه به عنوان قلب تپنده تجاری شهر، بحث مطالعه و برنامه ریزی‌های درست و با رویکرد پایدار را بیش از پیش طلب می‌کند. در این راستا، در این پژوهش سعی می‌شود تا از رویکرد بازآفرینی در جهت کاهش مسائل و مشکلات مذکور در بافت فرسودهٔ مرکزی شهر اهواز بهره گرفته شود. هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به مسئله مطرح شده است و در این ارتباط این مسئله و این هدف را در پاسخگویی به دو سوأل ۱-کدام بعد و عوامل در برنامه‌ریزی برای بازآفرینی بافت فرسودهٔ مرکزی شهر اهواز اهمیت و اولویت بیش‌تری دارد؟ و ۲- کدام رویکرد در بازآفرینی بافت فرسودهٔ مرکزی شهر اهواز تأثیر بیشتری دارد؟ دنبال می‌کند.

کوین لینچ و جین جیکوبز از جمله اندیشمندانی هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی شهری در قرن بیستم بر اساس شهرسازی انسان گرا اظهار نظر کرده‌اند. به اعتقاد آنان باید در جریان بهسازی و نوسازی شهری، برنامه ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی مسئولان و مردم شهر صورت گیرد. جیکوبز (۱۹۶۱) با بیان اصطلاح «بافت‌های مسأله‌دار مزمن» به اصل روابط انسانی همسایگی و موضوع خود ترمیمی و مشارکت مردم در امر بهسازی و بازآفرینی تأکید داشت. مونتگومری[1] (۲۰۰۳) خلق محله‌های خوب بر اساس الگوهای فرهنگی را به منظور بازآفرینی محدوده‌های رو به افول شهرها مورد جستار قرار داد. بلیکلی[2] و اوانس[3] (۲۰۰۹) مشارکت و طرفداری رهبران سیاسی به عنوان امری حیاتی در پیشرفت مسئولیت‌های اجتماعی در جهت ارتقاء خدمات عمومی، افزایش کیفیت زندگی برای شهروندان و فعال‌تر نمودن مشارکت دمکراتیک محلی در بازآفرینی شهری را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش گازی[4] (۲۰۰۹) با بررسی دوره های زیستی شهر آنکارا (ترکیه) وجود فرصت‌های اقتصادی، آموزش عمومی مردم، وضوح تعهدات سیاسی بازیگران کلیدی و همکاری گروهی از جمله عوامل حیاتی برای نوسازی و بازآفرینی تعیین شده است. بیدالف[5] (۲۰۱۱) بررسی اشکال کارآفرینی توسط حکومت در مناطق محروم بریتانیا و تاثیرات

1. Montgomery
2. Blakeley
3. evans
4. Güzey
5. Biddulph

آن را در دستور کار قرار داده و طراحی شهری را به عنوان نیاز و ویژگی شاخص جریان بازآفرینی قلمداد می‌کرده است. در تحقیقی دیکسون[1] و همکاران (۲۰۱۱) در مورد باز آفرینی شهری در منچستر و ازاکا عوامل حیاتی موفقیت در نوسازی مشارکت قوی، مقیاس بزرگ، در اولویت قراردادن زیرساخت‌ها، رونق بازار، دیدگاه طولانی مدت و رکود به عنوان فرصت معرفی شده است. آلپوپی[2] و مانول[3] (۲۰۱۳) به بررسی بهبود کیفیت زندگی و سرمایه‌گذاری برای آینده، سازگار ساختن ساختمان‌ها و خانه‌ها با نیازها مردم، ارتقاء تصویر ذهنی مردم از محله و بهبود شبکه ارتباطات اجتماعی و درک امنیت به عنوان اهداف اساسی در بازآفرینی شهری یکپارچه پرداخته است. کریستل[4] و دامیداویکلت[5](۲۰۱۶)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود بحث بازآفرینی بافت‌های شهری در ریودوژانیرو در طی بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ را بررسی کردند. در این پایان‌نامه به طورکلی مفاهیم و نظریات بازآفرینی شهری بررسی و معرفی شده است. آیینی و اردستانی (۱۳۸۸) در پژوهش «بازآفرینی و مشارکت مردم...» ضمن اشاره به اینکه در بافت‌های فرسوده شهری«فقر کالبدی»و فقر خدماتی متراکم شده و به دلیل «فقر اقتصادی» امکان تغییر خودبخودی و ارتقاء محیط زندگی مناسب تقریبا از بین رفته است. برای این منظور، برای توانمندسازی آحاد مرتبط با بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری اقدام و برنامه ریزی در سه محور را لازم می‌دانند که عبارت است از: ایجاد انگیزه مؤثر بین مالکان، سازندگان و سرمایه گذاران غیر دولتی؛ ایجاد فضای اعتماد آفرین برای مشارکت مالکان، سازندگان و سرمایه گذاران غیر دولتی با همدیگر؛ ایجاد بستر قانونی مناسب برای التزام مردم به نوسازی و رفع موانع قانونی موجود. رفیعیان و دیگران(۱۳۸۹) در طی پژوهش «بازآفرینی شهری و رویکرد ایجاد و توسعه محلات سنتی شهری (TND) اشاره می‌کنند که TND رویکردی است که از نهضت نوشهرسازی نشأت گرفته است و می کوشد به نیاز های محله و ساکنین آن پاسخ دهد. این رویکرد تلاش می کند با تقویت و بهبود فضای کالبدی محله، تعاملات اجتماعی را افزایش داده و از این مسیر به بهبود حس تعلق به مکان، خوداتکایی اقتصادی و ارتقاء اجتماعی نایل شود. صباغی (۱۳۹۲) طی پژوهشی به تدوین سازوکار به کارگیری بازآفرینی شهری در مواجهه با بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: محله جولان شهر همدان پرداخته است. وی در این پژوهش سعی کرده است که با استفاده از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی و همچنین متغیرهای مربوط به کیفیت زندگی چگونگی بازآفرینی پایدار محله جولان همدان را در قالب برنامه ریزی جامع و یکپارچه ارائه نماید. لطفی و زرگری مرندی(۱۳۹۱) طی پژوهشی بازآفرینی شهری و بازتعریف معیارهای فرسودگی: آغازی بر مرمت شهری پایدار را بررسی کردند. بر اساس یافته‌های آن‌ها تفاوت در روایت‌های مرمت شهری، حاصل تفاوت در نگاه به فرسودگی و تعریف آن تحت یک انگاره فکری و در عین حال راه حل پیشنهادی برای رفع فرسودگی است. پس برداشتی که از مفهوم فرسودگی می‌شود، در رسیدن به راه حلی متناسب نقش بسزایی خواهد داشت؛ شاید بتوان با نگاهی دقیق به مفهوم فرسودگی و ایجاد چارچوب فکری روشن برای تعریف آن به عنوان بن مایه کُنش مرمت شهری، موجب ایجاد راهبردی مشخص برای نگاه به بافت‌های موجود شهری و چگونگی مداخله در آنها شد. نگاهی که مرمت شهری را به مثابه اقدامی در مقابله با فرسودگی و فرسوده شدن و فرآیندی برای رسیدن به مظاهر پایداری در شهر و محله‌های شهری معرفی می‌نماید. صفایی‌پور و زارعی(۱۳۹۶)، طی پژوهشی به برنامه‌ریزی محله محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی. نمونه موردی: محله جولان شهر همدان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی ازآن است که اگر رویکرد به بازآفرینی؛ اجتماع مدار، یکپارچه، جامع و استراتژیک باشد، آنگاه به خودی خود رویکرد بازآفرینی پایدار حاصل خواهد شد. مراد از فرسودگی، ناکارامدی و کاهش کارایی یک بافت نسبت به کارآمدی سایر بافت‌های شهری است. فرسودگی بافت و عناصر درونی آن یا به سبب قدمت یا به سبب فقدان برنامه توسعه و نظارت فنی بر شکل‌گیری آن بافت به وجود می‌آید(صفایی‌پور و مدانلوجویباری،۷:۱۳۹۵). فرسودگی نواحی شهری می‌تواند ترکیبی از فرسودگی کالبدی، فرسودگی عملکردی (به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرسودگی محیطی (محیط زیست ناسالم) باشد. این فرسودگی می‌تواند خود را در قالب مشکلاتی چون بد مسکنی و فقر زیست‌محیطی، گروه‌های ناهنجار اجتماعی، توزیع ناعادلانه منابع، تفاوت‌های طبقاتی و رکود اقتصادی بروز دهد (لطفی و زرگرمرندی، ۱۷:۱۳۹۱). بنابراین محدوده‌هایی که با این تفسیر فرسوده تلقی می‌شوند، معمولاً طی یک دوره زمانی و

1. Dixon
2. Alpopi
3. Manole
4. Christelle
5. Damidavičiūtė

در یک چرخه رکود که می‌تواند ناشی از انباشت آلودگی‌های زیست‌محیطی، میراث برنامه‌ریزی‌های گذشته، تغییرات اقتصادی و ساختاری و یا دگرگونی در موقعیت اجتماعی و فرهنگی باشد، به شکل کنونی درآمده‌اند. این شرایط با کوچ ساکنان اصیل اولیه و مهاجرت طبقه‌های که به دلیل فقر اقتصادی از دستیابی به بسیاری از نقاط قوت حیات شهری محروم است و اغلب به عنوان نیروی کار ارزان، ایفاگر نقش اقتصادی محدودی در شهر است، ادامه می‌یابد (Syrret & North,2008:18). بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، برخوردار نبودن از خدمات شهری، آسیب‌پذیر شده‌اند و ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی دارند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنان و مالکان آن‌ها، امکان نوسازی خود به خودی ندارند. بافت‌های آسیب‌پذیر بر اساس بلوک آسیب‌پذیر تعریف شده که حداقل یکی از شرایط مطابق شکل (۱) را داشته باشد.

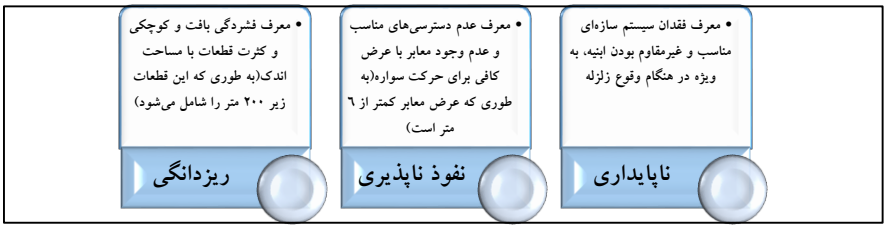

شکل ۱. شرایط و مشخصات بافت فرسوده شهری(صباغ،۱۳۹۲:۴۷)

واژه بازآفرینی به معنای احیاء کردن، جان دوباره بخشیدن، احیاء شدن و از نو رشد کردن گرفته شده است(Christelle & Damidavičiūtė,2016:17). در مطالعه‌های شهری به معنای احیاء، تجدید حیات، معاصرسازی و بازآفرینی به کار می رود. این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است (Alpopi & Manole, 2013: 179). بنابراین بازآفرینی فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی(کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود. در این اقدام، فضای شهری جدیدی به وجود می‌آید که ضمن حفظ شباهت اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم نیز به نمایش می گذارد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۸: ۱۸). بازآفرینی شهری به عنوان چشم اندازی یکپارچه، جامع و عملی که منجر به رفع مشکلات شهری و جستجوی بهبودی شرایط اقتصادی، فیزیکی، و اجتماعی و محیطی منطقه که موضوع تغییرات است، تعریف شده است (Cheshire, 1989: ODPM, 2003: 6:10). بازآفرینی شهری به مفهوم احیاء، تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است. موضوعی با ابعاد کالبدی و غیرکالبدی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود. از این رو یک وجه در بازآفرینی شهری و توسعه درون‌زای بافت‌های فرسوده، تلاش در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی در این بافت‌ها آن هم با استفاده از پویش اجتماعی مردم و مشارکت آنهاست (اسمعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). در واقع بازآفرینی شهری عبارت است از: دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقدام‌هایی که به حل مسائل شهری منجر می‌شود، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی ناحیه‌ای را که دستخوش تغییرشده، فراهم کند (Roberts & Sykes, 2000: 17). همچنین، به عنوان برنامه‌ای جامع است که زمینه بهبود پایدار در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی در شهر را فراهم می‌آورد (شفیعی دستجردی و مرادیان بروجنی، ۱۳۹۴:۱۳۷). نظریه‌های بهسازی و بازآفرینی بافت های کهن و قدیمی شهرها را در تفکرات اندیشمندانی نظیر جان راسکین، فردریش انگلس، کامیلوزیته، لوکوربوزیه، ابنزرهاوارد، لوئیز مامفورد، کوئین لینچ و برخی دیگر می‌توان دید. حدود چهار دهه طول کشید تا کشورهای توسعه یافته به مداخله در مراکز ارزشمند قدیمی و تاریخی با هدف تجدید حیات (بازآفرینی) و روان بخشی بپردازند که این چهار دهه از منشور آتن (۱۹۳۳) تا منشور آمستردام (۱۹۷۵) را شامل می‌شود. سه دهه آخر قرن بیستم، با جریانی در «مرمت و حفاظت شهری[1]» همراه است که آن را در وهله اول می‌توان «تجدید

1. Urban Conservation

نسل شهرها[1]» نام نهاد. باید گفت که «تجدید نسل شهرها» قبل از آن که از آنکه تبدیل به شعاری در دست شهرسازان نسل نو بشود، ریشه در عوض شدن خود نسل شهروندان، و به تبع آن شهرسازان دارد (لطفی،۱۳۹۰:۷۶). در ادبیات اخیر دنیا بازآفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود. در این اقدام فضای شهری جدیدی به وجود می‌آید که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند. در حالت کلی بازآفرینی سعی دارد با بررسی موقعیت، شرایط محیطی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی به تجدید حیات مکان‌هایی بپردازد که به مرور زمان فرسوده شده و کارایی لازم را ندارند. همچنین، به نحوی که احیای کالبدی و عملکردی توامان به وقوع بپیوندد، باعث افزایش کیفیت‌های محیطی شود (سجادزاده و زلفی گل،۱۳۹۴:۱۵۱). در واقع رویکرد بازآفرینی به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌دارد که قابلیت زیست جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاکسازی شده، زیر ساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی که به پایان عمر مفیدشان رسیده‌اند، می‌دهد. زیرا نگرش کلیدی در بازآفرینی به معنای عام آن، این است که وضعیت کلی شهر و مردمش را بهبود بخشد. بازآفرینی شهری به دنبال یافتن نشانه‌های مشکلات شهری از طریق بهبود مناطق فرسوده است. در شکل(۲) ابعاد چهارگانه بازآفرینی شهری آمده است.

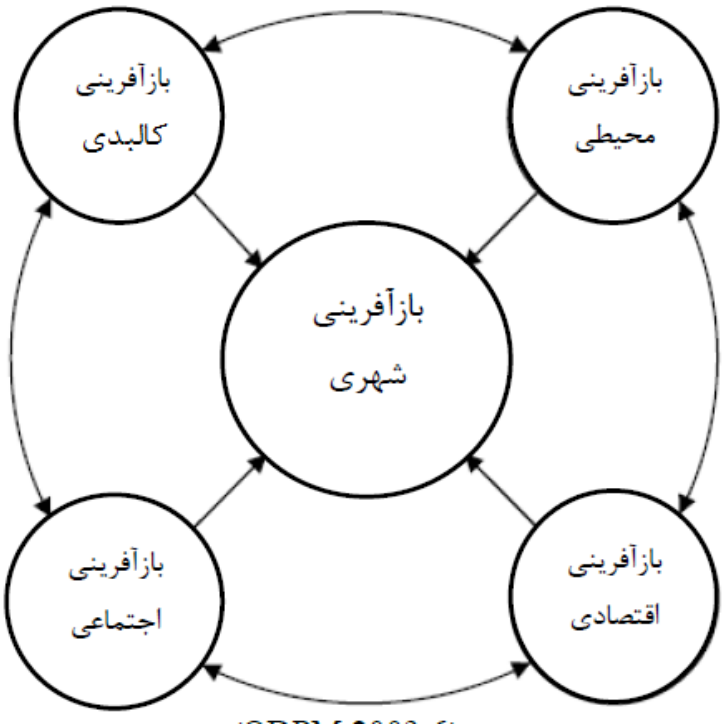

شکل۲. ابعاد چهارگانه بازآفرینی شهری (جمشیدی، ۱۳۹۳:۴؛ ODPM, 2003: 6)

1. Urban Regeneration

کاچ و فریزر توضیح داده‌اند که بازآفرینی با رشد دوباره فعالیت‌های اقتصادی جایی که این فعالیت‌ها کاهش یافته‌اند، احیا کارکرد اقتصادی جایی که این کارکردها کارایی خود را از دست داده‌اند، یا جدایی‌گزینی اجتماعی جایی که این جدایی-گزینی‌ها اتفاق افتاده‌اند و احیا کیفیت محیطی یا توازن اکولوژیکی جایی که این توازن از بین رفته همراه است. فرایندی چند بعدی و چند وجهی که، هدف آن بهبود کیفیت بافت شهری و محیط طبیعی، همچنین باز ساخت اقتصاد محلی است. مسائلی مانند جدایی گزینی اجتماعی به عنوان کانونی برای دستورات بازآفرینی دیده شده است. بازآفرینی بر کاهش جدایی گزینی اجتماعی و ادغام دوباره وضع نامناسب اقتصاد منطقه شهری متمرکز است. هدف بازآفرینی ساختن مثلث پایداری، با التزام به مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیطی و توسعه آن است؛ در حالی که نوسازی برای شرح فعالیت در سطح محلاتی که نشانه محلات و مالکیت املاک، به عنوان پاسخی به محرومیت، نشانه‌های منطقه مرکزی شهر، مناطقی که با فرسودگی و رکود و همچنین مناطق روستای به کار می رود (ODPM,2003:6). از دهه۱۹۹۰، آشکار شد که تمرکز سنتی (فیزیکی) مالی، سرمایه، توسعه مسکونی و تجاری کافی نیست. همچنین، که مداخله باید بخشی از چارچوب راهبردی شامل سلامتی، مراقبت از کودکان، ایمنی، آموزش، پایداری محیطی، هنر و فرهنگ و دیگر کیفیت مسائل زندگی است. به عبارت دیگر، ادغام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی در رویکردی جامع مد نظر است. درک عمیق این امر- نیازمند تغییرات سازمانی جدی‌تر و منجر به نقش روبه رشد مشارکت چند بخشی می‌شود.

در راستای مداخله و بهبود وضعیت بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری مدیریت‌های شهری رویکردهای مختلفی را جهت بهینه سازی بافت بکار برده اند. سیر روند مداخله نشان می‌دهد که این رویکردها از سیاست تخریب در دوران جنگ جهانی دوم تا سیاست نوزایی و توانمندسازی در قالب طرح-های بهسازی و نوسازی ادامه داشته است که متناسب با سیر تاریخی خود به رویکردهای مشارکتی ختم شده است. از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که در رابطه با بافت‌های قدیمی طی یکی دو قرن اخیر توجه دانشمندان را به خود جلب نموده است عبارتند از: فرهنگ‌گرایی، آرمان‌گرایی، فن‌گرایی، انسان گرایی، سازمندگرایی،کارکردگرایی، مدرنیسم، پست مدرنیسم، کل‌گرایان نظریه توسعه پایدار شهری است. در جدول شماره ۱ دیدگاه‌های مؤثر در بازآفرینی شهری نشان داده شده است.

جدول ۱. دیدگاه‌های مؤثر در بازآفرینی شهری

دیدگاه	نکات مورد تأکید در هر مکتب
مکتب فرهنگ‌گرایی	–توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته –توجه به فرهنگ ملی و سنت های قدیمی در توسعه شهری و بهسازی و مرمت –تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه ای و مرمت بافت و بناهای شهری
مکتب انسان‌گرایی	–توجه به طبیعت و فرهنگ –توجه به حرکت انسان در فضاهای شهری – الهام از شالود ه‌های پنهان و بارز کردن آن ها در بهسازی و نوسازی شهری – بهبود محیط شهری و شرایط زیستی ساکنان با مشارکت شهروندان – مطرح نمودن طرح های مرمتی با طرح های آمایش و شناخت محیط جغرافیایی – انجام بهسازی و نوسازی براساس بافت ارگانیک و سلسله مراتب عملکردی شهر قدیم و انطباق مکان و زمان در بنا یا مجموعه های شهری با حضور مطالعه های برنامه ریزی شهری
دیدگاه بینابینی یا واقع‌گرا	– معتقد است که کلیتی که از آن به عنوان بافت قدیمی یاد می شود مجموع های همگن و هم ارزش نیست، بلکه طیف وسیعی از ارزشمندترین عرصه‌ها و مجموعه های تاریخی تا بخش بسیارفرسوده بافت شهری، که در برخی موارد حتی فاقد ارزش نگ هداری را در بر م یگیرد.

مأخذ: زنگی آبادی و مؤیدفر،۱۳۹۱:۳۰۴؛ صفایی‌پور و مدانلوجویباری، ۲۸:۱۳۹۵

به طور کلی مروری بر تاریخچه «مرمت و حفاظت شهری» از آغاز تا کنون، در نظر اول نشان دهنده یک گذار تاریخی است. طی این گذار، شهر در صورت کلی خود، دچار دگرگونی های متنوعی شده، و به ویژه در دهه‌های اخیر، شهر مدرنیستی و کارکردگرایی دوران پس صنعت، جای خود را به فرا شهر عصر اطلاعات که جایی میان مرزهای واقع و مجاز قرار می‌گیرد، داده است (لطفی و زرگرمرندی،۱۳۹۱: ۱۴). بررسی سیر تحول سیاست‌های بهسازی و نوسازی شهری به ویژه از قرن نوزدهم تا به امروز، نشانگر این است که در هر دوره‌ای بر اساس شرایط زمانه، رویکرد و نوع نگاه خاصی در امر مداخله در بافت‌های قدیمی و تاریخی غلبه داشته است. رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیـر تحـول و تکامل خود از بازسازی، باززنده‌سازی، نوسازی و توسعهٔ مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزهٔ توجه صرف به کالبد به عرصهٔ تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند(پوراحمد و همکاران،۱۳۸۹:۷۳). بنابراین طی روندی تکاملی، «حفاظت و بازآفرینی شهری»، در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، به صورت فعالیتی همه جانبه، و تعاملی در آمده است. این دوره اصولاً با مفهوم همزیستی، همنشینی و گفتگوی مسالمت‌آمیز سبک‌ها و فرهنگ‌ها آغاز می‌شود (رنجبر،۱۳۹۳:۲۲). در جدول (۲) خلاصه سیر تحول رویکردهای مرمت و حفاظت شهری آمده است.

جدول۲. خلاصه سیر تحول رویکردهای مرمت و حفاظت شهری

مرحله	زمان	رویکرد	اقدامات اجرایی	نوع اقدامات
اول	دههٔ ۱۹۵۰	بازسازی شهری	بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ جهانی دوم	پرداختن به عملکرد سکونت، و تأمین نور و هوا و بهداشت به معنای عام آن، عملکردگرایی در قالب قوانین منطقه بندی، اولویت به حرکت ماشین، اجرای پروژه های ضربتی مسکن انبوه
دوم	دههٔ ۱۹۶۰	باززنده سازی (تجدید حیات شهری)	توجه به فعالیت تجدید حیات»«توانمندسازی»؛تثبیت «نوسازی اجتماعی»	تشکیل«اتحادیه های رشد» و درگیر ساختن سرمایه گذاران، شهرداران، و عوامل اجرایی علاوه بر جنبه های کالبدی، جنبه های اقتصادی نیز مورد تأکید قرار گرفت
سوم	دههٔ ۱۹۷۰	نوسازی شهری	ساماندهی بافت های رو به زوال	توسعهٔ قوانین، نهادها و مؤسسات مسئول، به ویژه تمرکز زدایی و واگذاری قدرت بیشتر به دولتهای محلی
چهارم	دههٔ ۱۹۸۰	توسعه مجدد یا بازآفرینی اقتصاد مدار	تأکید بیشتر بر نقش مشارکت نگرش اقتصادی به بافت ها و محلات فرسوده در دهه ۱۹۸۰ پروژه‌های بازآفرینی اساساً بر نوسازی اقتصادی و فیزیکی متمرکز هستند	نگاه بازسازی و مداخلات کالبدی با توجه به مکانیزم های اجرایی و مالی نوسازی، چارچوب های حقوقی - قانونی و نگاه درآمدزایی به امر مرمت شهری، مشارکت و دخالت همهٔ گروه های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ ، گذار به دموکراسی و شهرسازی مردم سالارانه، حفاظت از ساختارهای موجود به کمک اهالی و مالکان، و ارتقاء سطح خدمات و بهبود وضعیت زیر ساختها با حمایت دولت
پنجم	دهه ۱۹۹۰	بازآفرینی شهری	تلاش برای پیوند فعالیت‌های اقتصادی و بهبودی زیست محیطی با حیات فرهنگی و اجتماعی تغییر و تحولات اقتصادی	باز ساخت اقتصاد محلی، افزایش فرصت‌های شغلی، بهبود توزیع ثروت، پرورش استعدادها، افزایش مالیات و مستغلات محلی، جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی، اشتغال‌زایی مستقیم و غیر مستقیم تنوع مشاغل و نیری کار (سطح مهارت‌ها)، تحرک در توسعه مناطق کسب وکار، مراکز خرده فروشی و تفریحی جدید، تقاضای بسیار برای استفاده از خدمات تفریحی، گردشگری و فرهنگی

			تغییر و تحولات اجتماعی	بهبود کیفیت زندگی و روابط اجتماعی، کاهش جرم و جنایت، غلبه بر بدنام سازی و محرومیت اجتماعی، تغییر نگرش و ادراک ساکنین از محل سکونت خویش، تلاش در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی میان بنیانهای زندگی اجتماعی در این بافتها با استفاده از پویش، اجتماعی مردم و مشارکت آنها، افزایش فعالیت های داوطلبانه، دستیابی به سطح آموزش بالا ، حفظ تحصیل‌کرده ها در محل، کاهش جدایی گزینی اجتماعی
			حکمروایی	سازمان دهی مجدد ساز و کارهای تصمیم سازی از طریق تفاهم دموکراتیک ، افزایش میزان فضای همکاری و مشارکت، ، تأکید بر مشارکت های منطقه‌ای گوناگون ، توجه به تعاملات میان سازمانها و نهاد ها، افزایش فعالیت سرمایه های اجتماعی و شبکه هایی که عملکرد جمعی دارند
			تغییر و تحولات کالبدی	حل مسائل مرتبط با فرسودگی کالبدی همراه با اراضی جدید و ضروریات متناسب، توسعه اراضی درونی شهرها که قبلاً موضوع توسعه هایی بوده اند(brownfield)
			پذیرفتن لزوم اجرای کار مطابق با اهداف زیست محیطی و کالبدی توسعه پایدار	ارتقاء کیفیت محیط زیست، ارتقاء توسعهٔ متوازن و مدیریت اقتصاد جامعه و محیط زیست، بهبود کیفیت بافت شهری و محیط طبیعی
مرحله ششم	۲۰۰۰ تاکنون	رنسانس یا نوزایی شهری	تغییر الگوهای اجتماعی اهمیت توسعه پایدار تأثیر عصر اطلاعات	احیا ابعاد فرهنگی - هنری با رهیافت به احیایی اقتصادی و سرزندگی، اجتماعی و ایجاد محیط های سرزنده سعی در حل اختلاف و کشمکش میان توسعه های درونی و بیرونی و در همین حال، پذیرش الگوهای جدید فعالیتی در شهر درونی، شهر دوران «نوزایی» از یک سو به اصول مردم سالاری و زندگی انسانی توجه می کند، و از سوی دیگر، در مقیاسی جهانی مورد توجه بازارها، و شهروندان جهانی قرار داشته است. توسعه شهرها در چهارچوب «شهرموجود»

مأخذ: رنجبر، ۵۴:۱۳۹۳

داده‌ها و روش کار

مطالعه حاضر از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش شناسی به صورت توصیفی- تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌های توصیفی از اسناد کتابخانه‌ای مرجع در باب موضوع مطالعه و برای گردآوری داده‌های تحلیلی پژوهش به روش پیمایشی و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارشناسان و متخصصانی (شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان شهرداری‌ها) تشکیل می‌دادند که در ارتباط با موضوع پژوهش هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ مصداقی در ارتباط با نمونه موردی (شهر اهواز) دانش و تخصص لازم را دارا بوده‌اند. با توجه به فقدان چارچوب نظری و عدم شناخت کافی از تعداد و ویژگی‌های جامعهٔ آماری و همچنین با در نظر گرفتن ماهیت و هدف پژوهش، با استفاده از ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی از قبیل روش‌های هدفمند یا قضاوتی (معیار–محور)، زنجیره‌ای (گلوله برفی) و سهمیه‌ای و داوطلبانه (اعضای در دسترس) به انتخاب تعداد اعضای مورد نیاز پانل متخصصان از میان واجدین شرایط بالقوه اقدام شد؛ به‌گونه‌ای که حداکثر تعداد اعضای ممکن برای رسیدن به اجماع در نظرات آن‌ها در رابطه با موضوع، مورد انتخاب و استفاده قرار گرفت که در نهایت تعداد آن به ۴۰ نفر رسیده است. در جدول (۳) مشخصات نمونه پژوهش آمده است.

جدول۳. مشخصات نمونه پژوهش

نوع ارتباط با موضوع بازآفرینی بافت فرسوده شهری	تحصیلات	تعداد
عضو هیئت علمی دانشگاه در حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، مدیریت شهری، اقتصادشهری	دکتری با رتبه استاد، دانشیار، استادیار	۱۹
کارشناسان شهرداری(معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، معاونت معماری و شهرسازی، معاونت توسعه منابع انسانی)، کارشناسان سازمان راه و شهرسازی(اداره معماری و طراحی شهری)، کارشناسان استانداری(اداره کل مرکز امور شهری و شوراها)	دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی	۱۶
محققین در حوزه بافت فرسوده شهری	دکتری و کارشناسی ارشد	۵

برای تدوین شاخص‌های تحلیلی پژوهش در راستای موضوع پژوهش به دو روش اقدام شد. ابتدا با استفاده از مطالعه اسنادی و وضع موجود شهر اهواز به گردآوری و تدوین اولیه شاخص‌های مرتبط با حوزه بر مبنای مطالعات نظری اقدام شد و سپس با استفاده از نظرات کارشناسان کیفیت آنها برای انجام پژوهش در شهر اهواز به تدوین نهایی این شاخص‌ها اقدام شد. در جدول(۴) شاخص‌های نهایی برای تحلیل موضوع پژوهش در راستای اهداف پژوهش آمده است.

جدول٤. شاخص‌های تحلیلی برنامه‌ریزی بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز

شاخص‌های مؤلفه بازآفرینی اقتصادی	شاخص‌های مؤلفه بازآفرینی اجتماعی
مشارکت بخش های دولتی، خصوصی و داوطلبانه را در سرمایه گذاری برای احیا و بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	توجه به مردم و نقش مشارکت های محلی در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
تحقق تنوع نهادهای سرمایه گذار و پشتیبان مالی برای اجرای طرح های مربوط به بازآفرینی در بافت فرسوده مرکزی اهواز	تقویت نهادهای مدنی و مشارکت های مردمی در طراحی و اجرا در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
استفاده از شیوه های خلاق اقتصادی مانند رویکرد های متکی بر دانش در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	تأثیر رویکردهای یکپارچه در حل مسائل اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
تحقق رویکردهای یکپارچه و مشارکتی برای حل چالش های اقتصادی و مالی را در فرایند بازآفرینی و اجرای آن در بافت فرسوده مرکزی اهواز	توجه به تنوع فرهنگی و مردمی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
به کارگیری طرح ها و شیوه ای مولد و کارآفرین در فرایند سیاست گذاری و برنامه ریزی برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	مشارکت و نظرسنجی از ساکنان در استفاده از رویکردهای بومی-محلی به عنوان نمود فرهنگ محلی در ساخت و طراحی مکانی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
شاخص های مؤلفه بازآفرینی فرهنگی	**شاخص های مؤلفه بازآفرینی کالبدی**
تحقق فرهنگ محلی منطقه در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	استفاده از زمین های نیمه کاره در بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
استفاده از فرهنگ بومی در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز برای نمایش سیمای واقعی فرهنگ محلی	ترکیب پایدار کاربری ها و عملکرد هم پیوند انها در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
الگوبرداری از سایر اثار فرهنگی اصلی منطقه در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	استفاده بهینه از سرمایه های کالبدی و نشانه‌های شهری در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
توجه به اصالت بخشی فرهنگی در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	پرهیز و جلوگیری از پروژه های کلان مقیاس کالبدی و گسترده در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
-	احیای بافت کالبدی در برابر بازسازی و باز طراحی در فرایند

	بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
شاخص های مؤلفه بازآفرینی زیست محیطی	**مؤلفه‌های رویکرد راهبردی و پایداری**
عدم تخریب کاربری های اطراف در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	رویکرد مشارکتی در تحقق و برنامه ریزی برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز (مشارکت اجتماع محلی و کمک‌های سازمان‌های بخش داوطلبی در فرایند بازآفرینی)
توجه ملاحظات زیست محیطی را در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	امیدواری به توان رویکرد راهبردی به جای مداخلات و اقدامات غیرمنسجم در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
تحقق توجه به محدودیت منابع و انرژی و برنامه ریزی صحیح در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	تحقق رویکرد راهبردی در تدوین منظم برنامه‌ها، مشخص ساختن حدود توسعه و منابع و تکنیک‌ها و مهارت‌ها در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
بازیافت و به کار گیری زمین های اطراف در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	رویکرد راهبردی در نگاه سیاست گذاران امر برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز
ترکیب هم پیوند مصنوع و مواهب طبیعی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	–رویکرد پایداری به عنوان رویکرد تحقق بخش بازآفرینی در بافت فرسوده مرکزی اهواز –ترویج فعالیت های اقتصادی و مشاغل جدید از طریق رویکرد پایداری در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز –بهبود کیفیت محیطی طریق رویکرد پایداری در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش پیمایش نیز پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت از گزینه خیلی کم با امتیاز۱ تا گزینه خیلی زیاد با امتیاز۵ تنظیم شد و در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. با توجه به نظر استادان و انجام اصلاحات و تأیید نهایی، پرسشنامه نهایی از روایی محتوایی بـرخوردار بـود و از نظر پایایی نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل پرسشنامه، ۸۳ درصد بود که مطلوب و قابل قبول است.

جهت تحلیل داده‌های پژوهش نیز از مدل تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازیFDAHP و هم‌چنین رگرسیون خطی در محیط نرم‌افزارSPSS استفاده شده است. در شکل(۳) مراحل انجام پژوهش نشان داده شده است.

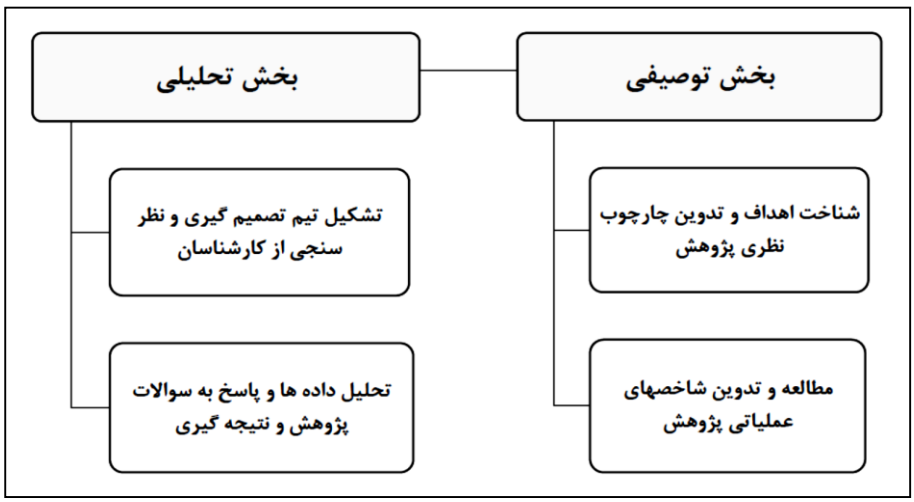

شکل ۳. مراحل انجام پژوهش

مدل بکار رفته در پژوهش حاضر مدل تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازیFDAHP می‌باشد. این مدل ابتدا در سال ۱۹۸۸ توسط کوفمان[1] و گوپتا[2] ارائه شد. این روش در حقیقت تعمیم روش دلفی در علم مدیریت بود که در آن ابتدا پیش-بینی‌های خبرگان یا کارشناسان در قالب اعداد قطعی بیان می-گردید. بعدها مشخص شد که استفاده از اعداد قطعی برای پیش‌بینی‌های بلندمدت نتایج آن‌ها را از واقعیت دور ساخته و از طرفی دیگر چون خبرگان و کارشناسان نیز از پیش‌بینی‌های ذهنی خود برای امر نظردهی استفاده می‌کنند، نتایج نشان داد که نوعی عدم قطعیت بر این فرایند حاکم بوده که این عدم قطعیت نیز از نوع عدم قطعیت امکانی است. وقتی پیش‌بینی‌ها نشان داد که روند حاکم بر شرایط موجود در روابط عدم قطعی امکانی با شرایط مجموعه‌های فازی سازگاری بیشتری دارد، پیشنهاد شد که از مجموعه‌ها یا اعداد فازی برای انجام پیش-بینی‌های بلندمدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی بهره گرفته شود که در آن از گونه‌های مختلفی از اعداد فازی مانند اعداد فازی مثلثی و ذوزنقه‌ای استفاده می‌گردد. در پژوهش حاضر به علت کاربرد زیاد و سهولت در محاسبات و تجزیه و تحلیل داده‌ها از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است که فضای هندسی تابع عضویت این مجموعه‌ها برای روش دلفی فازی در شکل (۴) آمده است(ملکی و علیزاده،۱۳۹۴: ۴۶).

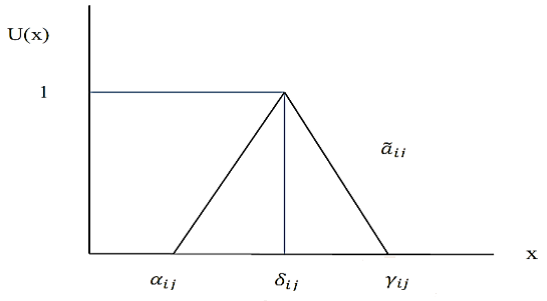

شکل٤. تابع عضویت مثلثی در روش دلفی فازی

مأخذ: صفایی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹

همان طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود اعداد فازی ارائه شده به صورت مثلثی بوده که a_{ij} حد پایین نظرات یا داده هاست δ_{ij} میانگین و حد وسط تابع مثلثی را تشکیل می‌دهد و در نهایت بزرگترین حد ممکن γ_{ij} می‌باشد که انتهای ضلع مثلث در تابع هندسی را تشکیل می‌دهد. حالت تلاقی این اعداد کمینه، میانگین و بیشینه در رأس مثلث در حالت ایده ال عدد ۱ خواهد بود که در شکل ۲ آمده است. در این مدل پس از دریافت نظرات کارشناسان در مرحله نخستین، در مرحله بعد به محاسبه اعداد فازی ($\tilde{a}_{ij}$) پرداخته می‌شود. با توجه به انتخاب اعداد فازی مثلثی در مدل پژوهش، این اعداد به صورت روابط چهارگانه زیر تعریف می شوند:

(۱): $a_{ij} = (\alpha_{ij}, \beta_{ij}, \gamma_{ij})$

(۲): $\alpha_{ij} = Min(\beta_{ijk}), k = 1, \dots, n$

(۳): $\delta_{ij} = (\prod_{k=1}^{n} \beta_{ijk})^{1/3}$

(۴): $\gamma_{ij} = Max(\beta_{ijk}), k = 1, \dots, n$

در روابط فوق β_{ij} نشان دهنده اهمیت نسبی پارامتر i بر پارامتر j از دیدگاه کارشناس k ام γ_{ij} حد بالای نظرات کارشناسان و α_{ij} حد پایین نظرات کارشناسان برای متغیرهای پژوهش است. در این روابط δ_{ij} نیز میانگین هندسی نظرات کارشناسان خواهد بود. بدیهی است که مؤلفه‌های فازی بگونه‌ای تعریف شده‌اند که: $\alpha_{ij} \leq \delta_{ij} \leq \gamma_{ij}$ باشد. در ضمن مقادیر مؤلفه‌ها یا اعداد فازی جهت ارزش‌گذاری کارشناسان به شاخص‌های پژوهش در جدول شماره(۵) آمده است.

جدول ۵. متغیرهای زبانی برای ارزیابی اهمیت شاخص‌ها

اهمیت شاخص‌ها	عدد فازی
بسیار کم اهمیت	(۰، ۰، ۰/۱)
کم اهمیت	(۰، ۰/۱، ۰/۳)
تا حدودی کم اهمیت	(۰/۱، ۰/۳، ۰/۵)
بی تفاوت	(۰/۳، ۰/۵، ۰/۷)
تا حدودی با اهمیت	(۰/۵، ۰/۷، ۰/۹)
با اهمیت	(۰/۷، ۰/۹، ۱)
بسیار با اهمیت	(۰/۹، ۱، ۱)

مأخذ: عطایی،۱۳۸۹: ۵۴

در مرحله سوم روش تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازی ماتریس معکوس فازی تشکیل می‌شود که از رابطه (۵) به دست می‌آید.

(۵): $\tilde{A} = [\tilde{a}_{ij}] \quad \tilde{a}_{ij} \times \tilde{a}_{ij} \approx 1 \ \forall i,j = 1,2, \dots, n$

در مرحله چهارم مدل پژوهش محاسبه وزن فازی نسبی

1. Kaufman
2. Gupta

متغیرهای پژوهش صورت گرفته است. برای حصول به این امر از روابط (۶) و (۷) استفاده شده است.

$$(۶): \tilde{Z}_i = (\tilde{a}_{ij} \otimes \ldots \otimes \tilde{a}_{ij})^{1/n}$$

$$(۷): \widetilde{W}_i = \tilde{Z}_i \otimes (\tilde{Z}_i \oplus \ldots \oplus \tilde{Z}_n)$$

در روابط بالا($\alpha_1 \times \alpha_2 \times \delta_1 \times \delta_2 \times \gamma_1 \times \gamma_2$) = $\tilde{a}_{ij} \times \tilde{a}_{ij}$ بوده و $\otimes$ نماد ضرب اعداد فازی و $\oplus$ نشان-هنده عمل جمع فازی است. در این روابط $\widetilde{W}_i$ یک بردار سطحی است که نشان دهنده وزن فازی پارامتر iام است (عطایی،۱۳۸۹: ۱۹۷).

مرحله آخر در مدل تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازی، غیر فازی سازی وزن شاخص‌های پژوهش خواهد بود که با استفاده از رابطه(۸) صورت گرفته است.

$$(۸): W_i = (\prod_{j=1}^{n} w_{ij})^{1/3}$$

محدوده مورد مطالعه‌ی پژوهش حاضر، محدوده بافت فرسوده مرکزی در شهر اهواز است. از نظر موقعیت، این محدوده از شمال به محور رضوی، از غرب به محور آزادگان و رودکارون، از جنوب به بلوار جمهوری و از شرق به خیابان بهبهانی محدود می‌شود. این محدوده دارای ۴۹۴۷۷ نفر جمعیت و ۴۱۰ هکتار مساحت است. به لحاظ تاریخی این بافت، هسته اولیه رشد و توسعه شهر اهواز امروز را در خود جای داده است. خاستگاه اولیه و محدودهٔ مرکزی شهرکه در بستر تاریخی خود تمایل به توسعه در پیرامون رودخانه است، زاییده روند شکل‌گیری مداوم، آهسته و منسجم است و نوع توسعه این گستره ارگانیک و شکل‌گیری آن در عرصه‌ای محدود است این دوره متعلق به گستره زمانی وسیع یعنی دوره ابتدایی شکل گیری اولیه شهرتا تاریخ معاصر۱۳۰۰هجری شمسی است. قلب تپنده‌ی این بخش قسمتی از خیابان امام خمینی است که بازار شهر اهواز را در خود جای داده است. این محدوده مهم‌ترین بخش از ساختار کلی شهر اهواز را شکل داده است، مرکز تجاری– خدماتی شهر و محورهای اصلی –ارتباطی مانند خیابان آیت‌اله بهبهانی، امام خمینی، شریعتی و مسیر راه آهن در این محدوده قرار داشته و یا از آن عبور می‌کنند. مقیاس عملکردی این مرکز در سطح شهر و فراتر از آن است. محورهای خدماتی اصلی در این محدوده محورهای اصلی چون دکتر شریعتی و سلمان فارسی و آزادگان هستند که به دلیل تمرکز خدماتی و تنوع فعالیت‌ها در لبه‌ی آن-ها، علاوه بر نقش ارتباطی، نقش خدماتی قوی ایفا می‌کند. در این محدوده، عناصر شاخصی چون بیمارستان امام خمینی، مصلی نماز جمعه، پارک، مجتمع توریستی استقرار یافته است که مجموعه‌ی این کاربری‌ها در کنار هم پهنه‌ی فعالیتی وسیعی را ایجاد کرده است. بیشتر بناهای قرار گرفته در این محدوده (حدوده۶۹ درصدبناها) کیفیتی تخریبی و مرمتی دارند. همچنین، بناهای دارای ارزش تاریخی نیز در این محدوده واقع شده‌اند. علاوه براین حدود ۷۰ درصد از قطعات محدوده مرکزی مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع(بافت ریزدانه) دارند(مهندسین مشاور نقش پیراوش،۱۳۹۱). در شکل شماره(۵) موقعیت بافت فرسوده مرکزی در شهر اهواز نشان داده شده است.

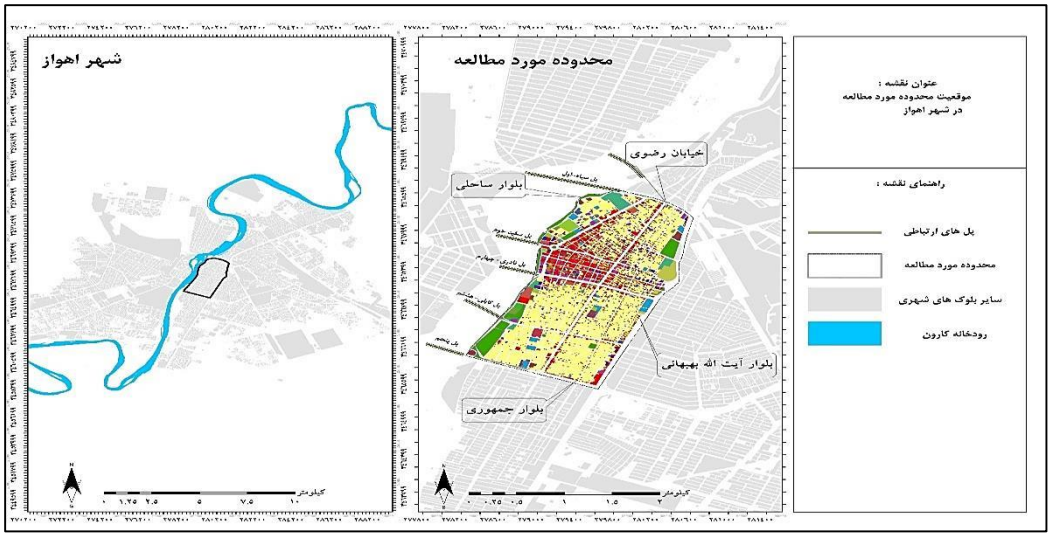

شکل ۵. موقعیت بافت فرسوده مرکزی در شهر اهواز (صفایی‌پور و همکاران،۱۳۹۳:۷۶)

شرح و تفسیر نتایج و یافته‌ها

در این مرحله از پژوهش سعی شد به اولویت‌های برنامه‌ریزی بازآفرینی بافت فرسوده شهری در شهر اهواز پرداخته شود. در این فرایند مؤلفه‌های اصلی بازآفرینی بافت فرسوده شهر اهواز در قالب مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی در قالب شاخص‌های تشکیل دهنده آن‌ها با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش مورد وزن‌گذاری قرار گرفت. نتایج به دست آمده با استفاده از مدل تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازی مورد تحلیل گرفت. در جدول(۷) نمونه از ماتریس مقایسه زوجی فازی برای مؤلفه‌های اصلی بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز آمده است[۱].

جدول ۷. نمونه ماتریس مقایسه زوجی دلفی فازی ابعاد پژوهش

	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی	کالبدی	زیست محیطی
اقتصادی	(۱،۱،۱)	(۱ ،۵/۳۴ ،۷)	(۱ ،۵/۷۹ ،۹)	(۱ ،۵ ،۷)	(۳ ،۷/۳۶ ،۹)
اجتماعی	(۱ ،۳/۵۹ ،۹)	(۱،۱،۱)	(۱ ،۵/۳ ،۹)	(۰/۳ ،۰/۵ ،۰/۷)	(۳ ،۷ ،۹)
فرهنگی	(۱ ،۶/۴۳ ،۷)	(۳ ،۷ ،۹)	(۱،۱،۱)	(۰/۵ ،۰/۷ ،۰/۹)	(۱ ،۶/۰۹ ،۹)
کالبدی	(۳ ،۶/۰۳ ،۹)	(۳ ،۵/۷۱ ،۹)	(۳ ،۵/۴۲ ،۷)	(۱،۱،۱)	(۳ ،۴/۶۷ ،۷)
زیست محیطی	(۳ ،۵ ،۷)	(۳ ،۷/۰۱ ،۹)	(۱،۶/۲۱ ،۹)	(۱ ،۶/۰۳ ،۹)	(۱،۱،۱)

مأخذ: محاسبات نگارندگان

بعد از اقدام به تشکیل ماتریس مقایسه زوجی برای مؤلفه-ها و شاخصه‌های مفهومی پژوهش، اقدام به وزن گذاری برای مؤلفه‌ها و شاخص‌های مفهومی پژوهش و تحلیل پژوهش وزن فازی نسبی ($\tilde{Z}$ و $\tilde{Z}_i$)با توجه به رابطه (۶) شد که نتایج این آزمون برای مؤلفه های ۵ گانه بازآفرینی در جدول(۸) آمده است.

جدول۸. محاسبه وزن فازی نسبی برای مؤلفه‌های بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز

مؤلفه	$\tilde{Z}$			$\tilde{Z}_i$		
اقتصادی	۷۰۷۱	۷/۰۶۰۴۱	۰/۰۰۹۵۲	۰/۵۶۶۰	۰/۴۵۶۷	۰/۴۰۰۴
اجتماعی	۵۰۳۱	۴/۰۱۹۳	۰/۰۰۴۳۶	۰/۶۹۴۵	۰/۶۷۵۱	۰/۱۳۴۱
فرهنگی	۶۱۵۸	۶/۵۰۷۸	۰/۰۰۸۰۸	۱/۷۸۳۴	۱/۳۲۰۱	۰/۷۸۰۵
کالبدی	۵۰۸۱	۵/۳۲۱۰	۰/۰۰۵۰۱	۰/۷۸۹۹	۰/۶۷۸۳	۰/۶۰۱۱
زیست محیطی	۴۰۰۹	۴/۰۰۹۸	۰/۰۰۳۹۵	۰/۶۴۵۶	۰/۵۹۶۰	۰/۵۲۳۱

مأخذ: محاسبات نگارندگان

همان‌طور که مشخص است در وزن‌گذاری فازی نسبی برای ابعاد پژوهش، مؤلفه بازآفرینی اقتصادی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز حائز بیشترین وزن نسبی در این مرحله شده است و بازآفرینی فرهنگی نیز در رتبه دوم قرار دارد. در این مرحله مؤلفه بازآفرینی زیست محیطی از سوی کارشناسان با اولویت کمتری ارزیابی شده است. در ادامه‌ی مرحله یاد شده وزن فازی نسبی برای شاخص‌های پژوهش نیز ارزیابی شده است که نتایج این مرحله از تجزیه و تحلیل فازی در جدول(۹) آمده است. همان طور که مشخص شد، شاخصه‌های مفهومی بازآفرینی اقتصادی به تبعیت از نتایج حاصل در بخش تحلیل وزن فازی نسبی برای مؤلفه‌ها، وزن‌های بیشتری در این مرحله داشته‌اند.

۱. با توجه به طولانی بودن ماتریس‌های مقایسه زوجی برای تمامی کارشناسان و همچنین مؤلفه ها و شاخص های پژوهش تنها نمونه از آنها در اینجا آمده است.

جدول۹. محاسبه وزن فازی نسبی برای شاخص‌های پژوهش

شاخص های مؤلفه بازآفرینی اقتصادی	$\tilde{Z}$	$\tilde{Z}_i$	شاخص های مؤلفه بازآفرینی اجتماعی	$\tilde{Z}$	$\tilde{Z}_i$
مشارکت بخش های دولتی، خصوصی و داوطلبانه را در سرمایه گذاری برای احیا و بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۷۱۱۹)	(۰/۰۶۲۴)	توجه به مردم و نقش مشارکت های محلی در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۵۹۹۲)	(۰/۰۳۹۹)
تحقق تنوع نهادهای سرمایه گذار و پشتیبان مالی برای اجرای طرح های مربوط به بازآفرینی در بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۷۱۲۳)	(۰/۰۶۲۷)	تقویت نهادهای مدنی و مشارکت های مردمی در طراحی و اجرا در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۴۹۹۵)	(۰/۰۳۸۹)
استفاده از شیوه های خلاق اقتصادی مانند رویکرد های متکی بر دانش در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۷۱۲۶)	(۰/۰۵۶۱)	تأثیر رویکردهای یکپارچه در حل مسائل اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۵۰۰۱)	(۰/۰۳۴۲)
تحقق رویکردهای یکپارچه و مشارکتی برای حل چالش های اقتصادی و مالی را در فرایند بازآفرینی و اجرای آن در بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۸۷۸۳)	(۰/۰۷۰۱)	توجه به تنوع فرهنگی و مردمی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۵۸۹۹)	(۰/۰۳۱)
به کارگیری طرح ها و شیوه ای مولد و کارآفرین در فرایند سیاست گذاری و برنامه ریزی برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۸۸۱۷)	(۰/۰۷۱۳)	مشارکت و نظرسنجی از ساکنان در استفاده از رویکردهای بومی– محلی به عنوان نمود فرهنگ محلی در ساخت و طراحی مکانی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۵۹۸۱)	(۰/۰۳۹۷)
شاخص های مؤلفه بازآفرینی فرهنگی	$\tilde{Z}$	$\tilde{Z}_i$	**شاخص های مؤلفه بازآفرینی کالبدی**	$\tilde{Z}$	$\tilde{Z}_i$
تحقق فرهنگ محلی منطقه در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۶۸۷۶)	(۰/۰۴۶۶)	استفاده از زمین های نیمه کاره در بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۴۰۵۳)	(۰/۰۳۰۲)
استفاده از فرهنگ بومی در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز برای نمایش سیمای واقعی فرهنگ محلی	(۰/۶۹۹۷)	(۰/۰۴۹۰)	ترکیب پایدار کاربری ها و عملکرد هم پیوند انها در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۴۰۸۶)	(۰/۰۳۰۱)
الگوبرداری از سایر اثار فرهنگی اصلی منطقه در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۶۱۰۲)	(۰/۰۴۳۱)	استفاده بهینه از سرمایه های کالبدی و نشانه‌های شهری در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۳۹۹۳)	(۰/۰۳۰۴)
توجه به اصالت بخشی فرهنگی در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۶۰۰۱)	(۰/۰۴۰۳)	پرهیز و جلوگیری از پروژه های کلان مقیاس کالبدی و گسترده در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۳۱۰۵)	(۰/۰۳۸۹)
–	–		احیای بافت کالبدی در برابر بازسازی و باز طراحی در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۳۰۰۹)	(۰/۰۳۴۷)
شاخص های مؤلفه بازآفرینی زیست محیطی	$\tilde{Z}$	$\tilde{Z}_i$			
عدم تخریب کاربری های اطراف در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۲۲۰۸)	(۰/۰۲۰۴)			
توجه ملاحظات زیست محیطی را در فرایند	(۰/۲۳۹۸)	(۰/۰۲۰۳)			

بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز		
تحقق توجه به محدودیت منابع و انرژی و برنامه ریزی صحیح در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۳۰۴۸)	(۰/۰۱۹۶)
بازیافت و به کار گیری زمین های اطراف در فرایند بازافرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۲۰۱۹)	(۰/۰۲۰۶)
ترکیب هم پیوند مصنوع و مواهب طبیعی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز	(۰/۲۵۵۱)	(۰/۰۲۱۱)

مأخذ: یافته‌های تحلیلی پژوهش

بعد از محاسبه وزن فازی نسبی اقدام به تحلیل وزن دلفی فازی ($\widetilde{W}_i$) و در نهایت وزن غیرفازی نهایی (W_i) شده است. مطابق با ساختار ریاضیاتی مدل پژوهش برای محاسبه وزن نهایی به شیوه میانگین هندسی فازی استفاده شده است که برای نمونه نحوه محاسبه در پایین ذکر شده است(جدول۱۰).

بازآفرینی اقتصادی (۰/۰۴۶۴ × ۰/۰۶۴۱ × ۰/۰۷۲۴)^ ۱/۳ = ۰/۰۵۹۹

باز افرینی اجتماعی (۰/۰۲۱۳ × ۰/۰۳۵۰ × ۰/۰۴۲۳)^ ۱/۳ = ۰/۰۳۱۶

بازآفرینی فرهنگی (۰/۰۳۵۷ × ۰/۰۵۶۱ × ۰/۰۶۱۲)^ ۱/۳ = ۰/۰۴۹۶

بازآفرینی کالبدی (۰/۰۲۵۶ × ۰/۰۳۲۲ × ۰/۰۴۰۲)^ ۱/۳ = ۰/۰۳۲۱

بازآفرینی زیست محیطی (۰/۰۱۸۳ × ۰/۰۲۱۱ × ۰/۰۳۲۹)^ ۱/۳ = ۰/۰۲۳۳

جدول۱۰. محاسبه وزن فازی و غیرفازی نهایی برای ابعاد پژوهش

مؤلفه	$\widetilde{W}_i$			W_i
بازآفرینی اقتصادی	۰/۰۷۲۴	۰/۰۶۴۱	۰/۰۴۶۴	۰/۰۵۹۹
بازآفرینی اجتماعی	۰/۰۴۲۳	۰/۰۳۵۰	۰/۰۲۱۳	۰/۰۳۱۶
بازآفرینی فرهنگی	۰/۰۶۱۲	۰/۰۵۶۱	۰/۰۳۵۷	۰/۰۴۹۶
بازآفرینی کالبدی	۰/۰۴۰۲	۰/۰۳۲۲	۰/۰۲۵۶	۰/۰۳۲۱
بازآفرینی زیست محیطی	۰/۰۳۲۹	۰/۰۲۱۱	۰/۰۱۸۳	۰/۰۲۳۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان

تحلیل اولویت‌های برنامه‌ریزی برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز نشان می‌دهد که بازآفرینی اقتصادی دغدغه اصلی برای اقدام به بازآفرینی در این بافت است. در واقع مهم ترین مقوله در این فرایند سرمایه گذاری و اشتغال‌زایی در فرایند بازآفرینی و متعاقباً کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه است که می‌تواند چشم انداز پایداری بازافرینی را نیز رقم بزند. در این ارتباط، بنیان‌های بازآفرینی در بعد اقتصادی آن توجه به مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی و داوطلبانه را در سرمایه گذاری؛ تحقق تنوع نهادهای سرمایه‌گذار و پشتیبان مالی برای اجرای مداوم و بدون توقف طرح‌های بازآفرینی؛ استفاده از شیوه‌های خلاق اقتصادی مانند رویکردهای متکی بر دانش و بهره گیری از توان شرکت‌های دانش بنیان برای ارائه طرح‌های نوین اقتصادی و همچنین به کارگیری طرح‌ها و شیوه‌های مولد و کارآفرین می‌تواند مطابق با نتیجه به دست آمده مهم ترین اولویت‌های بازآفرینی در بعد اقتصادی آن در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز باشد.

در ادامه پژوهش سعی شد نقش رویکردهای راهبردی و

رویکرد پایداری در کیفیت تحقق بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز مورد تحلیل قرار گیرد. برای این منظور از مدل رگرسیون خطی استفاده شد. در این فرایند بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز به عنوان متغیر وابسته و رویکردهای راهبردی و پایدار به عنوان متغیرهای مستقل قرار گرفتند (جدول۱۱).

جدول۱۱. آماره های تحلیل رگرسیونی چند متغیره تحقق بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز

انحراف معیار	مجذورR تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه
۱/۵۹۳	۰/۴۰۱	۰/۴۲۲	۰/۶۷۰

مأخذ: یافته‌های تحلیلی پژوهش

داده‌های واردشده مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که رویکردهای راهبردی و پایداری در مجموع ۶۷ /۰ از تغییرات بازآفرینی در بافت فرسوده مرکزی اهواز را تبیین می‌کنند که میزان انحراف از معیار آن برابر با ۱/۵۹ می باشد. در ادامه اماره نهایی تأثیر در جدول(۱۲) آمده است.

جدول۱۲. آماره نهایی تحلیل نقش رویکردهای راهبردی و پایداری در تحقق بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی اهواز

نام متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده	t	سطح معنی داری
	B	خطای B	β		
عرض از مبداء	۴/۵۱۲	۲/۷۳۶	–	۱/۶۴۹	۰/۱۰۷
رویکرد راهبردی	۵/۲۳۱	۱/۵۷۷	۰/۴۶۹	۳/۳۱۷	۰/۰۰۲
رویکرد پایداری	۷/۵۷۲	۳/۴۳۱	۰/۲۳۱	۲/۲۰۱	۰/۰۳

مأخذ: یافته‌های تحلیلی پژوهش

تحلیل تأثیر رویکردهای راهبردی و پایداری در تحقق با کیفیت مؤلفه‌های بازآفرینی بافت فرسوده شهری در شهر اهواز نشان می‌دهد که رویکرد راهبردی تأثیر بیشتری نسبت به رویکرد پایداری در تحقق با کیفیت این مؤلفه‌ها دارد. این مقوله نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری استراتژیک و داشتن نگاه راهبردی در سطح کلان و نگاه عملیاتی واقع‌گرا در سطح خرد تا چه اندازه در پیشبرد بازآفرینی بافت فرسوده شهر اهواز مؤثر است. در این فرایند شناخت شرایط بسترهای آماده تحلیل در محیط درونی و همچنین محیط بیرونی و شناخت استراتژی‌های مؤثر در راستای اقدام برای بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز بسیار مهم و ضروری است. این فرایند منجر به جلوگیری از موازی کاری‌ها و هم چنین اقدامات آمرانه و یک‌جانبه و همچنین تجویزی می‌شود که یک شبه به فکر انداختن طرحی نو در بافت‌های فرسوده با توجیه بافت‌های کاملاً ناکارامدی باشند که عمده نگاه آن‌ها نیز کالبدی است.

بحث و نتیجه‌گیری

شهرها به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به طور فزاینده در معرض بحران‌های ناگوار هستند. فقر، تخریب محیط زیست، فقدان خدمات شهری، نزول زیربناهای موجود، فقدان دسترسی به زمین و سرپناه، از جمله بحران‌های مربوط به این موضوع هستند. بنابراین تقاضا برای رشد پایدار، بازیافت بناهای قدیمی‌تر را بیش از پیش ترغیب کرده و توجه ملی به مراکز شهری فرسوده و قدیمی‌تر را نیز افزایش داده است. در میان پاسخ‌های قابل توجهی که به الگوی احیای مراکز شهری و محلات فرسوده و تاریخی داده شده است، رویکرد حفاظت و بازآفرینی شهری است که اصلی‌ترین نیروی محرک شکل دهنده به شهرها بوده و کلید موفقیت آن، پرداختن همزمان به «توسعه» و «حفاظت» است. از این رو یک وجه در بازآفرینی شهری و توسعه درونزای بافت‌های فرسوده، تلاش در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی در این بافت‌ها آن هم با استفاده از پویش اجتماعی مردم و

مشارکت آنهاست. در واقع عوارض و مشکلات نواحی فرسوده شهری، بنا به سرشت خود چندوجهی و چند بعدی هستند و در هر مورد به شکل خاصی بروز می‌نماید. افت منزلت اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های کارکردی و کالبدی این بافت‌ها به همراه افت بسیار شدید کیفیت محیط شهری از جمله دلایلی است که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان شهری را مجاب به ارائه راهبردها و راهکارهای نوینی در مواجهه با مسائل و مشکلات آن کرده است. بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز نیز به عنوان نخستین هسته شکل گرفته شهراهواز، با مشکلاتی چون افول کیفیت کالبدی، مشکلات دسترسی و ترافیکی، تراکم و تمرکز بیش از حد جمعیت به علت ماهیت تجاری آن و سایر عوامل، روبرو است. ضرورت امر اینجاست که این بافت با دارا بودن ارزش‌های تاریخی به لحاظ داشتن بناهای تاریخی مهم در این محدوده و ارزش‌های فرهنگی و مهم‌تر از همه به عنوان قلب تپنده تجاری شهر، بحث مطالعه و برنامه‌ریزی‌های درست و با رویکرد پایدار را بیش از پیش طلب می‌کند. بنابراین در این پژوهش سعی شد تا از رویکرد بازآفرینی در جهت کاهش مسائل و مشکلات مذکور، بر روی بافت‌های فرسودهٔ مرکزی شهر اهواز بهره گرفته شود. همان طور که پیش‌تر اشاره شد، بازآفرینی شهری ابعاد چندگانه؛ اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی دارد. زمانی می‌توان انتظار بازآفرینی جامع و موفق را داشت، که بازآفرینی تمامی ابعاد را در برگرفته باشد. در این راستا در پژوهش حاضر ابعاد مذکور در محدوده بافت فرسوده شهر اهواز از نظر کارشناسان و متخصصان مورد تحلیل قرار گرفت. براساس یافته‌های پژوهش مشخص شد در وزن‌گذاری فازی نسبی برای ابعاد پژوهش، مؤلفه بازآفرینی اقتصادی بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز حائز بیشترین وزن نسبی در این مرحله شده است و بازآفرینی فرهنگی نیز در رتبه دوم قرار دارد. در این مرحله مؤلفه بازآفرینی زیست محیطی از سوی کارشناسان با اولویت کمتری ارزیابی شده است. بنابراین، از نظر کارشناسان بازآفرینی اقتصادی شهر اهواز، دغدغه اصلی برای اقدام به بازآفرینی در این بافت است. در واقع مهم ترین مقوله در این فرایند سرمایه گذاری و اشتغال‌زایی در فرایند بازآفرینی و متعاقباً کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه می‌باشد که می‌تواند چشم انداز پایداری بازآفرینی را نیز رقم بزند. در این ارتباط بنیان‌های بازآفرینی در بعد اقتصادی آن توجه به مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی و داوطلبانه را در سرمایه گذاری تحقق تنوع نهادهای سرمایه گذار و پشتیبان مالی برای اجرای مداوم و بدون توقف طرح های بازآفرینی استفاده از شیوه‌های خلاق اقتصادی مانند رویکردهای متکی بر دانش و بهره‌گیری از توان شرکت‌های دانش بنیان برای ارائه طرح‌های نوین اقتصادی و همچنین به کارگیری طرح‌ها و شیوه‌های مولد و کارآفرین می‌تواند مطابق با نتیجه به دست آمده مهم ترین اولویت‌های بازآفرینی در بعد اقتصادی آن در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز باشد. در ادامه پژوهش سعی شد نقش رویکردهای راهبردی و رویکرد پایداری در کیفیت تحقق بازآفرینی بافت فرسوده مرکزی کلان شهر اهواز مورد تحلیل قرار گیرد. تحلیل تأثیر رویکردهای راهبردی و پایداری در تحقق با کیفیت مؤلفه‌های بازآفرینی بافت فرسوده شهری در کلان شهر اهواز نیز نشان داد که رویکرد راهبردی تأثیر بیشتری نسبت به رویکرد پایداری در تحقق با کیفیت این مؤلفه‌ها دارد. این مقوله نشان می‌دهد که سیاست گذاری استراتژیک و داشتن نگاه راهبردی در سطح کلان و نگاه عملیاتی واقع گرا در سطح خرد تا چه اندازه در پیشبرد بازآفرینی بافت فرسوده شهر اهواز مؤثر است. یافته‌های پژوهش حاضر، با پژوهش گازی[۱] (۲۰۰۹) همسو است که در بررسی دوره‌های زیستی شهر آنکارا (ترکیه) وجود فرصت‌های اقتصادی، از جمله عوامل حیاتی برای نوسازی و بازآفرینی برشمرده شده است. همچنین آیینی و اردستانی در پژوهش خود برای توانمندسازی آحاد مرتبط با بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری اقدام و برنامه ریزی در سه محور را لازم می‌دانند که عبارت از: ایجاد انگیزه مؤثر بین مالکان، سازندگان و سرمایه گذاران غیر دولتی؛ ایجاد فضای اعتماد آفرین برای مشارکت مالکان، سازندگان و سرمایه گذاران غیر دولتی با همدیگر؛ ایجاد بستر قانونی مناسب برای التزام مردم به نوسازی و رفع موانع قانونی موجود که بیشتر مؤلفه‌های مورد نظر آنها، مؤلفه اقتصادی است.

منابع

اسمعیل‌پور، نجما، رحیمیان، محمدحسن و قربانی، سحر(۱۳۹۱). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛ مطالعه موردی محله کشتارگاه در شهر یزد. *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱۵)، ۱۲۳-۱۴۰.

۱ . Güzey

آلبوغبیش، داود و شویچی، جعفر(۱۳۹۳). برنامه‌ریزی راهبردی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسودهٔ شهری مطالعهٔ موردی: محلّهٔ جوادیه منطقهٔ ۶۱ تهران. *فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط*، (۳۱)، ۴۳-۵۴.

پوراحمد، احمد، حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز(۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. *فصلنامه علمی–پژوهشی شهر ایرانی اسلامی*، (۱)، ۷۳-۹۲.

جمشیدی, شهرام، (۱۳۹۳). تأملی در ابعاد بازآفرینی شهری، *دومین کنگره بین المللی سازه ، معماری و توسعه شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی سازه ، معماری و توسعه شهری.*

حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه(۱۳۸۸). *مرمت شهری، تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورهای جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران:* انتشارات دانشگاه تهران.

خورانی‌کریمی، فرحناز و شوهانی، محمد(۱۳۹۴). کاربرد الگوهای توسعهٔ پایدار در بازآفرینی منظر شهری نمونهٔ موردی: شهر ایوان. *فصلنامه فرهنگ ایلام*، ۱۶(۴۹)، ۸۲-۱۰۳.

رنجبر، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). *جایگاه رویکرد بازآفرینی در کاهش فقر مراکز شهرها (نمونه موردی محله مرکز شهر اهواز).* پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان.

زنگی آبادی، علی و مؤیدفر، سعیده(۱۳۹۱). رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش بادگیری شهر یزد. *مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر*، (۹)، ۱۴-۲۹.

سجادزاده، حسن و زلفی گل، سجاد(۱۳۹۴). طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه نمونه موردی: محله کلپا همدان، *فصلنامه آمایش محیط*، (۳۱)، ۱۴۷-۱۷۱.

شفیعی دستجردی، مسعود، مرادیان و بروجنی، پیمان(۱۳۹۴). مدل‌سازی روش مکان گزینی در بازآفرینی محلات فرسوده شهری(مطالعه موردی: محدوده زینبیه اصفهان). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۳(۱۲)، ۱۳۷-۱۵۴.

صباغی، عاطفه(۱۳۹۲). تدوین سازوکار به کارگیری بازآفرینی شهری در مواجهه با بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: محله جولان شهر همدان. *فصلنامه پژوهش‌های شهری هفت حصار*، ۴(۱)، ۴۵-۵۶.

صفایی‌پور، مسعود(۱۳۹۵)، پهنه‌بندی عوامل مؤثر بر توزیع جغرافیایی مرگ و میر در استان خوزستان با استفاده از مدل ترکیبیGIS- FAHP. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، (۶)،۱۵-۲۸.

صفایی‌پور، مسعود و زارعی، جواد(۱۳۹۶). برنامه‌ریزی محله‌محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی. نمونه موردی: محله جولان شهر همدان. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۳)، ۱۳۶-۱۵۰.

صفایی‌پور، مسعود، علیزاده، هادی و دامن‌باغ، صفیه(۱۳۹۳). سنجش میزان اولویت اهداف کلان بافت فرسوده مرکزی اهواز با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی فازی FAHP. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۲(۳۵)، ۶۷-۸۲.

صفایی‌پور، مسعود و مدانلوجویباری، مسعود(۱۳۹۵). *سیاست‌های زمین شهری در بازساخت بافت فرسوده شهری.* کرج: نشر نییگ.

عطایی، محمد(۱۳۸۹). *تصمیم‌گیری چند معیاره.* شاهرود: انتشارات دانشگاه صنعتی شاهرود.

لطفی، سهند(۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. *فصلنامه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، (۴۵)، ۴۹-۶۲.

لطفی، سهند و زرگرمرندی، ابراهیم(۱۳۹۱). بازآفرینی شهری و بازتعریف معیارهای فرسودگی: آغازی بر مرمت شهری پایدار. *دوماهنامه شهرنگار*، (۵۸)، ۱۴-۲۵.

ملکی، سعید و علیزاده، هادی(۱۳۹۴). تحلیل و پیش بینی شاخص‌های پایداری در صنعت گردشگری ایران. *فصلنامه فضای جغرافیایی*، ۱۵(۵۰)، ۳۹-۵۸.

مهندسین مشاور نقش پیراوش. (۱۳۹۱). *طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر اهواز.* جلد اول(سنجش وضعیت و تحلیل)، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.

Alpopi, C. & Manole, C. (2013). Integrated Urban Regeneration - Solution for Cities Revitalize. *Procedia Economics and Finance*, 6, 178-185.

Berni, M. (2010). *Improving the Quality of Life in Large Urban Distressed Areas, Framework Programme of European Commission*, LUDA. an issue of growing importance in Europe's major cities.

Cheshire, P. C., Hay, D.G. (1989). *Urban Problems in Western Europe: An*

Economic Analysis, HarperCollins Publishers Ltd (March 1, 1989).

Christelle, B., & Damidavičiūtė, A. (2016). *Urban Regeneration in Rio de Janeiro Favelas during the Olympic games of 2016*". Master Thesis in Development & International Relations, Supervisor: Malayna Raftopoulos.

Leary, M.E., McCarthy, J. (2013). *Companion to Urban Regeneration*, NewYork: Routledge.

McDonald, S., Malys, N., Malienė, V. (2009). Urban Regeneration for Sustainable Communities: A Case Study, *Technological and economic developmentnt of Ecoecoeconomomy, 15(1)*, 49–59.

ODPM, (2003). *Office of the deputy prime minister ODPM, interdepartemental Group on the EGRUPReview2003: Assessing the impacts of Spatial Interventions, Regeneration, Renewal and Regional Development Main Guidance*, Presented to Parliament by The Deputy Prime Minister and the First Secretary of State by Command of Her Majesty.

Roberts, P., Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration*, Handbook, Londan: Sage Publications.

Syrrett, S., North, D .(2008). *Renewing Neighborhoods*, The Policy press, Great Britain.